

شاخص‌های استحکام خانواده مهدوی

سیده تسنیم زهرا موسوی^۱، نفیسه ایران‌پور^۲

چکیده

از دیدگاه اسلام خانواده نهادی اصولی، طبیعی و ابدی است و ترکیب آن از زندگی انسان‌ها جدا نیست. اسلام خانواده را همزاد و همراه بشر در این دنیا و در آخرت (حتی در بهشت) مطرح کرده است. رعایت احکام خانواده زمینه تحقق وعده الهی و تشکیل حکومت جهانی آخرین ذخیره الهی را فراهم می‌کند و کسانی که لیاقت و توانایی پاک‌زیستی و اداره یک خانواده را داشته باشند، لیاقت مشارکت در اداره جهانی پاک و عاری از هر نوع ظلم و تباهی را نیز خواهند داشت. یکی از اموری که باعث ایجاد چنین خانواده‌ای می‌شود پابندی به شاخص‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام است. التزام به شاخص‌های اعتقادی مانند ایمان به خدا، ایمان به رسالت و امامت، ایمان به معاد و التزام به شاخص‌های اخلاقی مانند عفو و گذشت، حسن ظن و صداقت، باعث تقویت، تربیت و استحکام خانواده می‌شود. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای به تحلیل آیات و روایات مرتبط با موضوع با رویکرد تربیتی درصدد ارائه شاخص‌های استحکام‌بخش خانواده در برهه زمینه‌سازی ظهور می‌پردازد.

واژگان کلیدی: شاخص‌های اخلاقی، اخلاق، استحکام، خانواده، مهدوی.

۱. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی از پاکستان. مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

ORCID ID: 0000-0002-5220-4860

۲. مدیر گروه علمی - تربیتی مطالعات اسلامی، دکتری ادبیات انگلیسی، استاد همکار مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

ORCID ID: 0000-0002-8506-1472

معتقدان به ظهور منجی موعود، وظایف و برنامه‌های بایسته‌ای دارند که عمل به آنها فرد را در گروه منتظران واقعی قرار می‌دهد. یکی از این برنامه‌ها، داشتن زندگی مهدوی و قرار دادن در مسیر جامعه آرمانی است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف الگو و اسوه کاملی برای داشتن یک زندگی الهی و شایسته است که با اقتدا و تأسی به ایشان می‌توان روزه‌های کامیابی و موفقیت را به روی خود بگشایند. علاوه بر این باید تلاش برای رسیدن به آن جامعه موعود به کار رود، پس یکی از جلوه‌های بارز آموزه انتظار، زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برنامه‌ریزی ما باید به‌صورتی باشد که حتی کسانی که در آینده به دنیا می‌آیند را دربرگیرد. بی‌شک نسل مطهر و منتظر، نیازمند فضایی پاک و سرشار از انتظار و امید است تا بتواند در آن رشد کند. برای داشتن فرزندان و نسلی منتظر، پیش از آنکه فرد خودش به این باور برسد باید چنین فضایی مهیا شود. باید برای نسل‌های منتظر برنامه‌ریزی کرد و این وظیفه و تکلیف را باور داشت. باید در تمام برنامه‌ها و اصول زندگی، برنامه‌ای برای صحیح زیستن نسل‌ها داشت و براساس هدف خلقت و آفرینش و براساس دستورات برترین دین الهی حرکت کرده و مانع از تخریب نسل‌ها به واسطه زیاده‌خواهی‌ها شد. این نعمت بزرگی ست که انسان، فرزندان باایمان و مورد علاقه را در بهشت در کنار خود ببیند و از انس با آنها لذت برد. از آنجا که ارتقای این فرزندان به درجه پدران ممکن است این توهم را به وجود آورد که از اعمال پدران برمی‌دارند و به فرزندان می‌دهند. در قرآن کریم این‌گونه آمده است: «وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ؛ ما چیزی از اعمال آنها نمی‌کاهیم» (طور: ۲۱). زندگی مقدمه آخرت است. یکی از محیط‌هایی که انسان اغلب از آغاز تا پایان زندگی رابطه‌ای تنگاتنگ و سرنوشت‌ساز با آن دارد کانون خانواده است. حال باید دانست برای موفقیت در زندگی خانوادگی کسب چه مهارت‌هایی ضرورت دارد. مهارت شناخت شاخص‌های استحکام خانواده از مهمترین مهارت‌های زندگی خانوادگی ست که عمل به آن به خانواده استحکام می‌بخشد. اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن (زن و

شوهر) در تحکیم و استحکام این بنا، نهایت سعی خود را کنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند بر استمرار آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود.

شاخص در لغت به معنای برآمده، فرد ممتاز، نمودار و نماینده، علامت و مشخص‌کننده ظاهر آورده شده است و در برنامه‌ریزی، علامتی است که مسیر را مشخص و در دستیابی به هدف کمک می‌کند. شاخص، نشانه عینی قابل شناسایی و قابل اندازه‌گیری ابعاد مفهوم است. (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴) در اصطلاح، شاخص به معنای ویژگی‌های کلی است که ویژگی‌های جزئی‌تری را در درون خود جای می‌دهد و برجستگی و اهمیت بیشتری دارد. تفسیر، تبیین و طبقه‌بندی ویژگی‌ها با نام ویژگی‌های کلی‌تر و شاخص سبب درک آسان‌تر ویژگی‌های جزئی‌تر و زیرمقوله‌ها می‌شود (صفورایی، ۱۳۹۲، ص ۱۰). تأکیدات اخلاقی و سفارشات حقوقی قرآن کریم و روایات گران قدر ائمه علیهم‌السلام برای تشکیل و استحکام خانواده، بیش از جوانب دیگر حیات بشری است، بلکه در یک نگاه کلی، تمام احکام و دستورهای اسلام ناظر بر صیانت از خانواده است.

۲. شاخص‌های استحکام خانواده

خانواده به معنای اهل خانه، اهل بیت، مجموعه افراد با پیوند سببی و نسبی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، مجموعه خویشاوندان، خاندان، تیره و خاندان است. (معین، ۱۳۹۱، ۴۷۸/۱) خانواده، اولین و مهمترین کانون اثرگذار در شکل‌گیری شخصیت انسان است. قرآن کتاب انسان‌سازی، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را الگو و اسوه معرفی می‌کند: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة؛ همانا برای شما در (سیره) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست» (احزاب: ۲۱).

بنابراین، اگر کسی می‌خواهد حیات طیبه و پاک داشته باشد باید از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام در زندگی خود بهره بگیرد. در فرازی از زیارت عاشورا آمده است: «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد؛ خدایا زندگی مرا همچون زندگی پیامبر و آلش قرار بده» (قمی، ۱۳۸۶، ص ۵۳۱). در این فراز نوعی سبک زندگی از خداوند درخواست شده است که محمد و آل محمد علیهم‌السلام اسوه آن هستند و نهاد خانواده و عوامل مؤثر در تربیت و استحکام آن از مباحثی است که در آموزه‌های دینی مورد توجه جدی قرار گرفته است. در متون دینی توصیه‌های



اعتقادی، عبادی و اخلاقی زیادی وجود دارد که التزام به آنها باعث تقویت، تربیت و استحکام خانواده می‌شود. یکی از ویژگی‌های منتظران واقعی آن است که پیوسته درصدد شناخت و معرفی الگوی مناسب برای خود و خانواده هستند. با مطالعه در سیره آن ذوات مقدسه، معیار و ملاک اساسی در زندگی فردی و اجتماعی به‌ویژه تشکیل خانواده‌ای دینی و ولایی که در این عصر به زندگی مهدوی معروف شده است، مشخص می‌شود. در مقاله حاضر شاخص‌های اعتقادی و اخلاقی در خانواده مهدوی بررسی و تحلیل می‌شود.

۲-۱. شاخص‌های اعتقادی (بینشی)

اعتقاد و عقیده از ریشه عقد و عقد به معنای بستن، پیوند زدن و گره خوردن است. عقیده چیزی است که به ذهن، فکر و جان انسان بسته می‌شود و پیوند می‌خورد. زیربنای همه جهت‌گیری‌های انسان در زندگی، عقاید و باورهای اوست. (محمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۶) اگر باورهای انسان در زندگی و به‌ویژه در خانواده براساس باور مهدوی و خواسته‌های خالق هستی باشد زندگی او هم در مسیر صحیح و کارآمدی قرار می‌گیرد و اگر بینش‌های نادرست، جهت‌دهنده زندگی فرد باشد، زندگی را به بیراهه برده، آن را ناکارآمد می‌سازد. از این رو اسلام بیش از هر چیز به اصلاح شناخت و بینش‌های انسان اهمیت می‌دهد و برترین افراد را از نظر ایمان کسانی می‌داند که از نظر شناخت بر دیگران برتری دارند. در بحث از شاخص بینشی به مهمترین بینش‌ها و باورهای دینی و مهدوی اشاره می‌شود که بر روابط و رفتارهای اعضای خانواده‌ای کارآمد تأثیرگذار است. نبود چنین بینش‌هایی سبب ناکارآمدی خانواده و شکل‌گیری روابط نامناسب خواهد شد (صفورایی، ۱۳۹۲، ص ۴۱).

برخورداری والدین از باورهای دینی مستحکم در تحکیم روابط خانواده تأثیر فراوانی دارد و بی‌بهره ماندن خانواده از این باورها، مشکلات متعددی به دنبال دارد و قرآن از آن به زندگی تنگ و سخت یاد می‌کند. خانواده‌ای که به دلیل نداشتن اعتقادات دینی، آرامش نداشته باشد و اعضای آن از زندگی لذت نبرند، نمی‌تواند کارآمد باشد. باورها و اعتقادات دینی نمودهای مختلفی دارد که البته در طول یکدیگر هستند. این نمودها عبارتند از:

اساسی‌ترین باور دینی و مهدوی ایمان به خدا و یکتاپرستی است. ایمان به هر چیز عبارت است از: علم به آن به اضافه التزام به آن به طوری که آثارش در عملش ظاهر شود و معلوم است که هر يك از علم و التزام مذکور، امورست که شدت و ضعف می‌پذیرد. ایمان تنها و صرف علم نیست و صرف علم و تصدیق به اینکه چیزی حق است. در حصول ایمان کافی نیست، بلکه باید به مقتضای آن علم ملتزم بوده و آثار عملی در زندگی او ظاهر باشد. برای مثال کسی که علم دارد به اینکه خداوند متعال خدایی است که غیر او پروردگاری نیست باید به مقتضای همین علم که عبودیت اوست ملتزم باشد و به همین اندازه اگر التزام نداشته باشد مؤمن نیست، پس با این بیان، قول دو گروه باطل می‌شود:

- قول کسانی که ایمان را مجرد علم و تصدیق دانسته‌اند؛ زیرا چه بسا علم با کفر قابل جمع باشد.
- قول آنان که ایمان را در عمل خلاصه کرده‌اند؛ زیرا عمل با نفاق قابل جمع است. انسان منافق، به ظاهر عمل دارد، ولی ایمان ندارد.

ایمان همان علم به چیزی همراه با التزام عملی را گویند. به همین دلیل قابل شدت و ضعف است و این است قول حق که بیشتر علما گفته‌اند و قول ابوحنیفه و امام‌الحرمین و دیگران که ایمان را همان تصدیق می‌گرفته‌اند، باطل می‌شود؛ زیرا آیه: «لِيزِدَادُوا اِيْمَانًا مَعَ اِيْمَانِهِمْ» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۶۴/۱۸). برخی از علمای شیعه گفته‌اند حقیقت ایمان همان تصدیق قلبی ست و عمل از مظاهر ایمان است نه از مقومات آن. البته این بدان معنی نیست که تصدیق قلبی و معرفت باطنی، بدون التزام عملی موجب نجات انسان باشد، بلکه فقط او را از زمره کافران خارج می‌کند (سبحانی، ۱۴۲۷، ص ۳۹۸). ایمان به خدا این نیست که انسان فقط بداند و درك کند که خدا حق است؛ زیرا مجرد دانستن و درك کردن ملازم با ایمان نیست، بلکه با استکبار و انکار هم می‌سازد چنان‌که خودش فرموده: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا؛ و با آنکه در دل به آن یقین داشتند از روی ستم و برتری جویی انکارش کردند» (نمل: ۱۴) و چون ایمان با انکار نمی‌سازد، پس ایمان صرف ادراك نیست، بلکه عبارت است از پذیرایی و قبول

مخصوصی از ناحیه نفس، نسبت به آنچه که درك کرده است. قبولی که باعث شود نفس در برابر آن ادراك و آثاری را که اقتضا دارد، تسلیم شود و علامت داشتن چنین قبولی این است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را قبول کنند مانند خود نفس در برابرش تسلیم شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸/۳۸۹).

ایمان به خدا آثار متعددی در رفتار انسان و اعضای خانواده دارد و هر یک به شیوه‌ای خاص بر کارآمدی و استحکام خانواده تأثیر می‌گذارد. فردی که خدا را ناظر بر اعمال خود می‌بیند: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و هر کجا باشید، او با شماست و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست» (حدید: ۴). براساس کلام وحی، خالق خود را از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» و ما از شریان و رگ گردن به او نزدیک‌تریم» (ق: ۱۶). تلاش می‌کند در برخورد با دیگر اعضای خانواده و انجام وظایف و رعایت حقوق، رضایت او را جلب کند و رفتارهایش را در زندگی خانوادگی برای رسیدن به رشد، تعالی و کمال تنظیم کند.

در تعلیم مذهبی اصلی‌ترین عامل برای رسیدن به آرامش و حفظ آن ایمان به خداوند بیان شده است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (هدایت‌شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد» (رعد: ۲۸). حضرت امام علی (ع) می‌فرماید: «أَمِنْ تَأْمَنُ» ایمان بیاور تا در امان باشی» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ص ۱۰۹). آن حضرت ایمان به خدا را مساوی با آرامش و امنیت می‌دانند: «الایمانُ امان» (خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۲۶). ایشان در جای دیگر به فرزندش سفارش می‌کند: «و عمارة قلبك بذکره؛ که دل خود را به یاد خداوند آباد کن» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و خدای سبحان این حالت آرامش دل و اطمینان را در آیه شریفه: «سَكِينَةً مِنْ رَبِّكُمْ» در آن، آرامشی از پروردگار شماست» (بقره: ۲۴۸) از خواص ایمان کامل قرار داده است. توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدف‌دار و معنا دار باشد و در رفتارها با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به‌سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. توجه به عدالت خداوند و اینکه خداوند

هیچ‌گونه ظلمی را روانمی‌دارد و حق هیچ موجودی را ضایع نمی‌کند زمینه شناختی دیگری برای مهار رفتاری اعضای خانواده است. هرچه این حالت قوی‌تر باشد، مشکلات فرد کمتر خواهد بود و چنین افرادی به ناظر و داور بیرونی برای حل مشکلات خود نیاز نخواهند داشت. توجه به صفات خداوند از جمله رحمت و مهربانی گسترده، توانایی نامحدود، حمایت از مخلوقات خود از جمله انسان و کفایت آنها نیز آثار مثبت بر زندگی فرد و جنبه‌های خانوادگی او برجای می‌گذارد. عطف و رحمت اعضای خانواده نسبت به هم که شعبه‌ای از تجلی رحمت خداوند است زمینه پیشگیری و حل بسیاری از مشکلات است.

۲-۱-۲. ایمان به رسالت و امامت

دومین باور دینی و مهدوی یعنی، رکن دین‌داری، اعتقاد به رسالت انسان‌هایی از سوی خداوند است که همان انبیای الهی در تاریخ شناخته شده‌اند. وصایت و جانشینی انبیا که در مذهب شیعه به امامت معروف است نیز در راستای تکمیل رسالت انبیاست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۰) در زندگی انسان، نقش باور به اصل نبوت و امامت به دو بعد بازمی‌گردد: «اولین بعد، آموزش امور دینی به‌ویژه زندگی براساس اصول دینی است. راه منحصربه‌فرد شناخت تعالیم دین، پس از کلام خداوند، سخنان پیامبر ﷺ و جانشینان ایشان است به‌گونه‌ای که حتی استفاده صحیح از کلام خداوند نیز مبتنی بر شناخت و درک سخنان اولیای دین است. دومین بعد در رابطه با اعتقاد به رسالت و امامت، نقش الگودهی آنهاست. اصل همانندسازی که با تقلید و الگوگیری از کودکی در انسان وجود دارد، عامل اساسی یادگیری ست به‌گونه‌ای که برای کودکان تقلید از الگوهای شایسته، هنگام حل مشکل یا در رویارویی با محیط اطراف، تأثیر بسیار مثبتی دارد (سقای بی‌ریا و زارعان، ۱۳۷۵، ص ۵۵۵). افزون بر این از میان شیوه‌های متعدد یادگیری، مشاهده الگو مؤثرترین و پایاترین روش هاست. در زمینه چگونگی روابط اعضای خانواده و نوع رفتارها نیز پیروی و همانندسازی با انسان‌هایی که تعالیم دین به‌طور کامل در آنها تجلی یافته، ضروری ست. از آنجا که افراد برای یادگیری شیوه رفتار و برخورد مناسب در خانواده به نمونه‌های عینی رفتاری در همه ابعاد زندگی نیازمند هستند، خواه ناخواه به‌سوی

چنین الگوهایی کشیده می‌شوند. از این رو ارائه نمونه‌های مناسب، برای کارایی بهتر افراد و خانواده‌ها و رویارویی با مسائل زندگی سودمند خواهد بود (پناهی، ۱۳۸۹، ۷۸/۷۹).

در این باره قرآن افرادی را که به دنبال کمال معنوی هستند، دعوت می‌کند که پیامبر ﷺ را الگویی نیکو در زندگی در نظر گیرند. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ همانا برای شما در (سیره) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست البته برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب: ۲۱). همچنین در این جهت، رفتار اولیای دین (علیهم‌السلام) از اولین تا آخرین مرحله زندگی خانوادگی درس‌آموز است مانند گزینش همسر، مهریه و جهیزیه، مراسم ازدواج، آداب معاشرت در همه ابعاد، روش برخورد با فرزندان همچنین برخورد با والدین الگوی قابل اعتماد و کاملی ست (پناهی، ۱۳۸۹، ص ۷۷).

۲-۱-۳. اعتقاد به معاد

سومین باور مهم دینی و مهدوی که نقش بسزایی در زندگی انسان‌ها دارد اعتقاد به زندگی پس از مرگ، حساب‌رسی اعمال در روز قیامت و پاداش و مجازات افراد براساس رفتارهایشان است. هرچند اعتقاد به معاد بر همه ابعاد زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد در اینجا بیشتر بر جنبه‌های خانوادگی تأکید می‌شود. امروزه با وجود پیشرفت‌های علمی و کاهش مشکلات زندگی، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها روبه فزونی‌ست. بخشی از این مشکلات به دلیل احساس بی‌هدفی و پوچی در زندگی ست. باور نداشتن به زندگی پس از مرگ نیز این مشکل را بیشتر می‌کند. این امر بر خانواده نیز اثر نامطلوب گذاشته است. در خانواده‌ای که تقید به اعتقادات نیست به علت بی‌توجهی به اهداف متعالی به کارکردهای محدود زندگی خانوادگی اکتفا شده و خانواده‌ها بر اثر بی‌هدفی به راحتی به جدایی و انحلال کشیده می‌شوند. اعتقاد به زندگی پس از مرگ، خانواده را متوجه اهداف پایداری می‌کند که موجب پیوند بیشتر اعضای خانواده می‌شود. از این رو در خانواده‌هایی که این موضوع را باور دارند با وجود مشکلات شدید مانند معلولیت‌ها، افراد سال‌های طولانی از یکدیگر حمایت عاطفی کرده و احساسی رضایت‌بخش از زندگی دارند. (پناهی، ۱۳۸۹، ص ۸۰)

اثر دوم باور به معاد، ایجاد انگیزه در افراد و تشویق آنهاست. در کلمات اولیای دین به پاداش ها و نعمت های اخروی اشاره شده که در ازای انجام وظایف خانوادگی به فرد داده می شود. توجه به این نعمت ها و آسایش در زندگی اخروی، افراد را برمی انگیزد که رفتارهای خود را به سمت کسب این نعمت ها سوق دهند. برای نمونه آیاتی مانند آیات ذیل، شوق افراد را در انجام وظایف بسیار تقویت می کند: «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَآزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید. سینی هایی از طلا و جام هایی در برابر آنها می گردانند و در آنجا آنچه دل ها بخواهد و چشم ها از آن لذت ببرد موجود است و شما در آن جاودانید و این همان بهشتی است که به دلیل اعمالی که انجام می دادید، وارث آن شده اید» (زخرف: ۷۰).

اثر سوم باور به معاد که بی ارتباط با اثر دوم نیست، نقش آن در مقابله مناسب با مشکلات است. خانواده ای که به فقدان عزیزی یا معلولیت گسترده یا مشکلات بسیار شدید اقتصادی دچار می شود کمتر چیزی مانند باور به معاد می تواند او را تسکین دهد. برخی مشکلات جبران ناپذیر است و افراد تنها با توجه به پاداش های زندگی اخروی می توانند خود را به آرامش برسانند. (پناهی، ۱۳۸۹، ص ۸۰) اثر چهارم باور به معاد، نقش مهارکننده و بازدارنده آن است. بسیاری از مشکلات خانواده به عدم مهار رفتارهایی بازمی گردد که افراد را به تعدی به حقوق یکدیگر، تحمیل به دیگران و پرخاشگری ها می کشاند. باور به معاد و یادآوری عواقب بد تعدی به حقوق دیگران و عدم انجام مسئولیت ها، افراد را تا حدی از رفتارهای نامناسب بازمی دارد. برای نمونه، یکی از آثار بدخلقی در خانواده، فشار روحی در عالم برزخ است به گونه ای که حتی اگر فرد در ابعاد دیگر زندگی به وظایف خود عمل کند، ولی در خانواده رفتار نامناسب بروز دهد در عالم برزخ دچار فشار و سختی شدید می شود. برای مثال، سعدبن معاذ فردی بسیار درستکار بود به طوری که بعد از وفاتش، پیامبر ﷺ او را غسل و کفن کرد، ولی در مورد او فرمود: «او با خانواده اش بدخلقی کرده و ممکن است عذاب شود» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۶/۲۲۰). همچنین در

کلمات اولیای دین علیهم السلام به عواقب بدرفتاری با همسر اشاره شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از رحمت خدا به دور است زنی که شوهر خود را اذیت کند و ناراحتش کند و سعادتمند است زنی که شوهر خود را اکرام کند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۰۰/۲۵۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که همسرش را بدون دلیل بزند در روز قیامت من دشمن او خواهم بود» (دیلمی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۵). توجه فرد به این عواقب ناخوشایند در زندگی اخروی می‌تواند او را تا حدی از رفتار نامناسب بازدارد (سالاری فر، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶).

۲-۲. شاخص‌های اخلاقی

پس از شاخص‌های اعتقادی، دومین شاخص استحکام خانواده، مسائل اخلاقی و ارزش‌های انسانی است.

منابع دینی اسلام توجه زیادی به اخلاق، مسائل اخلاقی و رعایت اخلاق در اندیشه و عمل دارند و تهذیب نفس را که نتیجه رعایت مسائل اخلاقی است، مسئله‌ای اساسی و زیربنایی می‌دانند که برنامه‌های دیگر انسان‌ها از آن نشأت می‌گیرد و بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. تکامل اخلاقی در فرد، خانواده و جامعه هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می‌کنند و آن را ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفسد و پدیده‌های نابهنجار می‌دانند. (صفورایی، ۱۳۹۲، ص ۵۹) مراد از فضایل اخلاقی آن دسته از فضایی است که به طور مستقیم در راستای تحکیم بنیان خانواده، نقش اساسی دارد و رعایت نکردن هر کدام، باعث تشنج و بی‌نظمی در خانواده و به هم خوردن آرامش خانواده می‌شود. اگرچه می‌توان گفت که همه فضایل اخلاقی هر کدام به گونه‌ای با موضوع بحث حاضر یعنی، عوامل استحکام خانواده مرتبط است، اما در اینجا فقط به عواملی که نقش مهمی در استحکام خانواده دارند اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. عفو و بخشش

عفو و بخشش یعنی، روح گذشت از کوتاهی دیگران و نادیده گرفتن خطاهای آنها نمونه‌ای از اخلاق نیک و بزرگی روح و نیز از آداب معاشرت است؛ زیرا در زندگی، کمتر کسی دیده می‌شود که

حقّی از او تباه نشده و دیگران حرمت او را نشکسته باشند. شرط پایداری زندگی اجتماعی نیز عفو و گذشت است. اگر همه مردم در گرفتن حقوق خویش دقیق و جدی باشند و از کوچک‌ترین لغزش دیگران چشم‌پوشند زندگی بسیار تلخ خواهد شد و روح صفا و صمیمیت به کلی رخت برخواهد بست. از این رو خداوند در قرآن دستور عفو و صفح داده است: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا؛ و باید عفو کنند و گذشت نمایند» (نور: ۲۲). عفو حالتی است که اگر انسان آن را داشته باشد باوجود دیدن عیب‌ها و اشتباه‌های دیگران از آن می‌گذرد، ولی اگر کسی صفح را داشته باشد سعه صدر دارد و در نتیجه بدی‌ها، کاستی‌ها و خطاهای دیگران را نادیده می‌گیرد (مجله طوبی، ۱۳۸۸). حضرت رسول خدا ﷺ به عتبه فرمود: «می‌خواهی تو را خبر دهم به افضل اخلاق اهل دنیا و آخرت؟؟ نزدیکی کن به هر که از تو دوری کند و بخشش کن بر کسی که تو را محروم سازد و گذشت کن از آن کسی که بر تو ظلم کند» (کلینی، ۱۳۷۹، ۲/۲۹۰).

الف) آثار عفو و بخشش در خانواده

عفو و بخشش در زندگی فردی و اجتماعی انسان بسیار مؤثر است. توصیه دین اسلام هم مدارا و سازش با افراد پیرامون است. باگذشت و تغافل از اشتباهات غیرعمدی اطرافیان، مسیر اصلاح افراد مسدود نمی‌شود و از روحیه پرخاش‌گری و توبیخ کاسته می‌شود. برخی از آثار گذشت و بخشش در روابط زوجین و دیگر اعضای خانواده عبارتند از:

اول) صفا و صمیمت

بسیاری اوقات که خود انسان دچار خطا و کاستی می‌شود از اطرافیان و خانواده انتظار گذشت دارد. درحالی‌که در برخورد با دیگران ذره‌ای گذشت و چشم‌پوشی از خود نشان نمی‌دهد. کسی که انتظار دارد دیگران خطاهای او را نادیده بگیرند خود نیز باید از بدی‌های آنها بگذرد و لغزش‌هایشان را نادیده بگیرد تا از جرم و کوتاهی او درگذرند. اگر کسی بدی‌های اعضای خانواده را با بدی پاسخ گوید و انتقام‌جویی کند کینه و دشمنی زیاد می‌شود، ولی هرگاه بدی را با نیکی و نرمی پاسخ گوید، می‌تواند از این راه، طرف مقابل را شرمسار و آگاهانه همراه خود کند و کینه و دشمنی او را به دوستی و رأفت تبدیل کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا

السَّيِّئَةُ ادْفَعِ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خوبتر است، دفع کن. آن گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یک دل می گردد» (فصلت: ۲۴). رسول خدا ﷺ در حدیثی می فرماید: «هرگز مردی از ستمی که بر او رفته است، در نمی گذرد جز اینکه خدا بر عزتش بیفزاید» (طبرسی، ۱۳۸۰، ۵۰۲/۳). با کمی بخشش و نادیده گرفتن خطای دیگران می توان به آسانی، فضایی آکنده از صمیمیت و دوستی را ایجاد کرد و بر عزت و احترام خود و خانواده افزود.

دوم) آرامش فرد و خانواده

چشم پوشی، گذشت و مقابله به مثل نکردن در برابر بدی ها برای خانواده، آرامش و سلامت به ارمغان می آورد و موجب می شود آنها در کانونی پر از صلح و صفا زندگی کنند. به یقین، شیرینی صفا و معنویت خانواده رهین همین بخشش ها و از خودگذشتگی هاست و در سایه آن، استحکام و تثبیت نظام خانواده امری حتمی خواهد بود. اگر آرامش انسان ها هدف باشد ابتدا این آرامش در محیط خانواده باید تأمین شود و اگر خانواده کانون صلح و آرامش خاطر باشد آن جامعه هم همین روحیه را خواهد داشت. دشمنان اسلام در آخرالزمان تمام حربه های خود را به کار می برند تا کانون خانواده را متلاشی کنند و انسان را در گرداب تشویش و اضطراب اسیر چنگال امیال شیطانی خود کنند.

سوم) صداقت

صداقت از صفات مؤثر در روابط خانواده و زمینه اعتماد در برقراری رابطه است. عدم صداقت در زن یا شوهر، فضای خانواده را به بی اعتمادی و بدبینی می کشاند و زمینه اختلاف را فراهم می کند. اولیای دین به دلیل تأثیر دروغ گویی در تخریب اعتماد در روابط بین فردی بر صداقت و دوری از دروغ بسیار تأکید دارند و ملاک ایمان مردم را راست گویی اعلام می کنند مثل آنکه خداوند می فرماید: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ؛ تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند (آری) دروغ گویان واقعی آنها هستند» (نحل: ۱۰۵).

راست‌گویی زمینه اعتماد مقابل و در نتیجه رابطه دوستانه را فراهم می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «یکتسب الصادق بصدقه ثلاثا حسن الثقة و المحبة و المهابة منه؛ شخص راست‌گفتار با راست‌گفتنش سه چیز را به دست می‌آورد: خوبی اعتماد مردم را بر او و محبت را برای خودش و نیز شکوه و هیبت گرفتن مردم از وی» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ۲/۸۷۶). بنابراین، برای بالندگی و سلامت روابط در خانواده باید روابط کلامی و بدنی به صورت مستقیم، روشن و صریح باشد. آن‌گونه که سخنان فرد نه تنها با حالت صورت، وضع بدن و طنین صدا هماهنگ باشد، بلکه با انگیزه و حالات ناهشیار او نیز هماهنگ باشد. در حقیقت همه ابعاد روان‌شناختی فرد باید یک چیز را نشان دهد. چنین ارتباطی به اعضای خانواده امکان می‌دهد که درستی و تمامیت، تعهد، صداقت، شایستگی و خلاقیت داشته باشد و با مشکلات به طور مناسب برخورد کنند (ستیر، ۱۳۷۶، ص ۹۲).

چهارم) حسن ظن

خوش‌بینی از صفات مؤثر در خانواده و بر اعتماد متقابل استوار است. خوش‌بینی و گمان‌نیکو نسبت به یکدیگر، نسبت به حوادث و مسائل زندگی و نسبت به خداوند در سلامت خانواده نقش مهمی دارد. برای پدیدآیی حالت خوش‌بینی، زن و شوهر باید در ابتدای زندگی نهایت تلاش خود را برای شناخت یکدیگر صرف کنند و موازین اخلاقی را در همه رفتارها رعایت کنند. اعضای خانواده با به دست آوردن این شرایط و در سایه اعتماد متقابل می‌توانند برای دوری از بدگمانی و ایجاد خوش‌بینی در یکدیگر تلاش کنند. در متون دینی بر خوش‌بینی نسبت به برادران دینی و تفسیر و تعبیر رفتار آنها به بهترین وجه تأکید شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ضع امرک اخیک علی أحسنه حتی یأتیک منه ما یغلبک؛ رفتار برادرت را به بهترین وجه آن حمل کن تا زمانی که کاری از او سرزند که راه توجیه را بر تو ببندد» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۱، ۷/۳۳۹۲). به صراحت از افراد خواسته شده است که از بدگمانی دوری کنند؛ زیرا برخی گمان‌ها گناه است. خداوند متعال می‌فرماید: «اجْتَنِبُوا کَثِیراً مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است» (حجرات: ۱۲).

در خانواده نیز زن و شوهر باید از بدگمانی نسبت به هم خودداری کنند. قضاوت و گمان نسبت به افراد باید براساس مدارک معتبر و علم باشد و بدون تحصیل علم، اعضای خانواده باید بر خوش‌بینی نسبت به هم روی آورند. یکی از مشکلات روابط بین زوجین، عدم درک انگیزه‌ها و مقاصد طرف مقابل است. در این حالت، گاه افراد تفسیر و برداشتی نادرست از یک رفتار می‌کنند درحالی‌که براساس اصول اسلامی باید یک رفتار را به بهترین وجه تفسیر کرد. خوش‌بینی نسبت به مسائل زندگی و تبیین‌های خوش‌بینانه از حوادث ناخوشایند نیز در توانایی رویارویی با مشکلات تأثیر می‌گذارد. خوش‌بینی، فرد را به تلاش برای طراحی نقشه‌هایی برای حل مشکل سوق می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت دیدگاه مثبت در زندگی با تأثیر بر حالات عاطفی، روابط اعضای خانواده با یگدیگر را بهبود می‌بخشد. بعد دیگر خوش‌بینی که در متون اسلامی با نام خوش‌گمانی نسبت به خداوند از آن یاد شده است نیز بر زندگی خانوادگی تأثیری مثبت دارد. (رایین، ۱۳۹۱، ۵۸۲/۲) فرد معتقد به خداوند، او را در همه امور جهان و زندگی بسیار تأثیرگذار می‌داند. حال اگر فرد نسبت به خداوند خوش‌بین نباشد و ناامیدی در او پدید آید در همه مسائل زندگی درمانده خواهد شد و هیچ رفتار مثبت و مفیدی نمی‌تواند انجام دهد. از این رو بدبینی به خدا از بدترین گناهان است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اکبر الکبائر سوء الظن بالله؛ بزرگ‌ترین گناه کبیره، بدگمانی به خداست» (متقی هندی، ۱۹۸۹). اولیای دین از راه‌های مختلف، افراد را به خوش‌بینی نسبت به خدا تشویق کرده‌اند. امام رضا علیه السلام فرمود: «به خدا خوش‌گمان باش؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: من با گمان بنده مؤمن خود همراهم؛ اگر خوب هست، خوب پیش آید و اگر بد است، بد پیش آید» (کلینی، ۱۳۷۹، ۴/۴۱۵).

۳. نتیجه‌گیری

خانواده بهترین مأمن انسان و شایسته‌ترین کانون برای سکون و اطمینان است و ترکیبی است که هیچ‌گاه از زندگی بشر جدا نخواهد شد و حتی این اجتماع کوچک خانواده در بهشت هم مطرح است. از همین رو اسلام به خانواده توجه خاصی داشته و قوانین و احکامی را براساس مصالح و کرامت انسانی بیان کرده که نتیجه آن استحکام و رشد و تعالی خانواده است. رسیدن

به جامعه ایده‌آل و الهی و بهره‌گیری کامل از نعمت‌های دنیوی در گرو رسیدن به این مقام است. بنابراین، در عصر غیبت، خانواده یعنی، اولین و مؤثرترین کانون اجتماعی، وظیفه انسان‌سازی و مصلح‌پروری را برعهده دارد. خانه و خانواده، هسته مرکزی اجتماع را تشکیل می‌دهند و مهمترین پایگاه تربیت و انسان‌سازی هستند. براین اساس اسلام بر تشکیل خانواده بسیار تأکید دارد «ما بنی فی الاسلام بناء احب الله فی التزویج؛ در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خداوند عزوجل محبوب‌تر و ارجمندتر از ازدواج باشد» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۳/۱۴). مقدمه رسیدن به جامعه آرمانی در اسلام، ایجاد خانواده‌ای است که براساس معیارها و ارزش‌های اسلامی تشکیل شده است. چنین خانواده‌ای، توانایی ایجاد نسل صالح و منتظر را خواهد داشت. خانواده‌ای که اصول اعتقادی و اخلاقی صحیح بر آن حکم فرما باشد، می‌تواند در کنار به‌کار بستن دیگر شاخص‌ها به یک خانواده ایده‌آل مهدوی تبدیل شود. شاخص‌های اعتقادی مانند ایمان به خدا، ایمان به رسول و ایمان به معاد و مهمترین شاخص اخلاقی عبارتند از: عفو و بخشش، صداقت و حسن‌ظن. با پیاده‌سازی خانواده مستحکم مهدوی مبتنی بر شاخص‌های ذکر شده، جریان زمینه‌سازی ظهور منجی موعود بیشتر و عمیق‌تر فراهم می‌شود.

- * قرآن مجید (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹). مترجم: دشتی، محمد. قم: نشر مشهور.
۱. پناهی، علی احمد (۱۳۸۹). نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده. نشریه معرفت اخلاقی، شماره ۲، ۷۷-۹۶.
۲. التمیمی الامدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۳۵). غرر الحکم و دررالکلم. مترجم: انصاری، محمد علی. قم: انتشارات دار الکتاب.
۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تهران: کتابچی.
۴. خوانساری، آقا جمال الدین (۱۳۶۶). شرح غرر الحکم. تهران: دانشگاه تهران.
۵. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۶۸). ارشاد القلوب. قم: شریف رضی.
۶. رابین، دیما تئو (۱۳۹۱). روان شناسی سلامت. مترجم: کاویانی، محمد. تهران: انتشارات سمت.
۷. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۷). خانواده در نگرش اسلامی و روان شناسی. قم: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۸. سبحانی، جعفر (۱۴۲۷). بحوث فی الملل و نحل. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. ستیر، ویرجینیا (۱۳۷۶). آدم سازی در روان شناسی خانواده. مترجم: بیرشک، بهروز. تهران: رشد.
۱۰. سقای بی‌ریا، ناصر، زارعان، محمد جواد، و مصباح، علی (۱۳۷۵). روان شناسی رشد با نگرش به منافع اسلامی. تهران: سمت.
۱۱. صفورایی، محمد مهدی (۱۳۹۲). شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسش‌نامه آن. نشریه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۱(۱)، ۲۹-۵۸.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی، محمد باقر. قم: انتشارات اسلامی.
۱۳. قمی، عباس (۱۳۸۶). مفاتیح الجنان. قم: انتشارات لقاء.
۱۴. کیوی، رایمون، کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۴). روش تحقیق در علوم اجتماعی. مترجم: نیک‌گهر، عبدالحسین. تهران: انتشارات توتیا.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). اصول کافی. قم: نشر اسوه.
۱۶. متقی هندی، علاء الدین (۱۹۸۹). کنز العمال. بیروت: انتشارات مؤسسه رساله.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۱۸. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۱). میزان الحکمه. قم: انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۹. معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۰. یدالله پور، اکبر (۱۳۸۸). تاثیر بخشش بر روابط خانواده. نشریه طوبی، اخلاق در خانواده. شماره ۳۴، ۲۸-۳۵.